

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

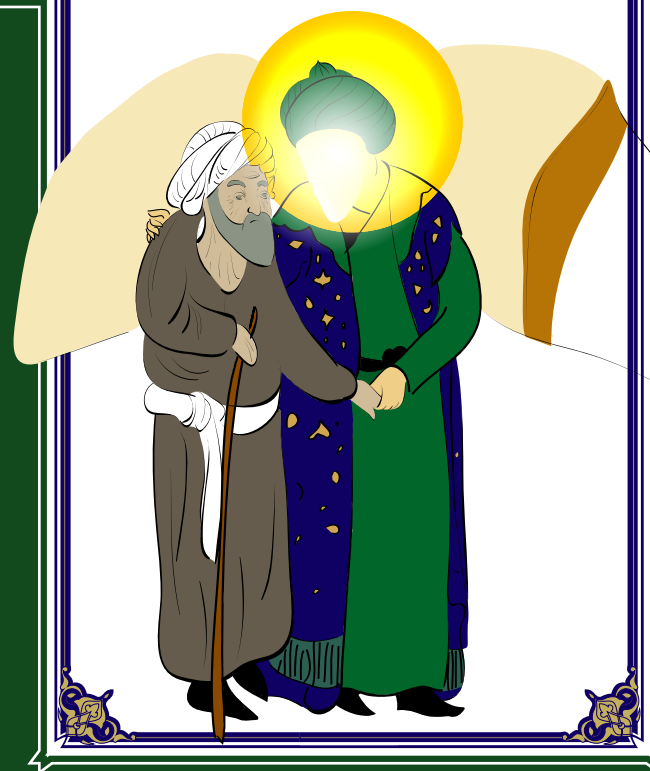
آنچه بیش از سیمای ملکوتی و نورانی امام حسن (ع) سبب ارادت و شیفتگی دوستداران آن حضرت گردید، حُسن خُلُق امام بود. حلم و شکیبایی کریم آل طه (ع) به قدری شاخص و برجسته بود که به «حلم الحسنیه» معروف شد. اما بازتاب حل معمای بزرگ آن دوران یعنی « معاویه» همه نگاه‌ها را معطوف به خود کرد و کمتر از حلم و صبر حسنی سخن به میان آمد.

در آن دوران، ریاکاری و تظاهر معاویه به قدری با برنامه و پیچیده بود که بسیاری را به اشتباه انداخته بود. معاویه مبالغ کلانی صرف ترور شخصیت امام حسن (ع) کرد، لیکن امام آنچنان دقیق و حساب شده رفتار نمود که عرصه بر معاویه تنگ شد، خصوصاً در قرارداد صلح، تمامی راه‌ها بر معاویه بسته و چهره واقعی پسر ابوسفیان نمودار شد. بدین سان با درایت امام، یکی از سخت‌ترین و پیچیده‌ترین معماهای تاریخ یعنی « معاویه» حل شد، و بی دلیل نیست که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: "لَوْ كَانَ الْعَقْلُ رَجُلًا لَكَانَ الْحَسَنُ"

به هر حال مجالی پیش آمد تا تعدادی از داستان‌های اخلاقی آن حضرت را بیان کنیم و خلاصه‌ای از حلم و شکیبایی حسن بن علی (ع) را جهت مطالعه و غور دوستان ارائه نماییم.

ارادتمند
وبسایت حق‌الحقیق

حُسن خلق سرور جوانان اهل بهشت



خشم و تسلط بر نفس

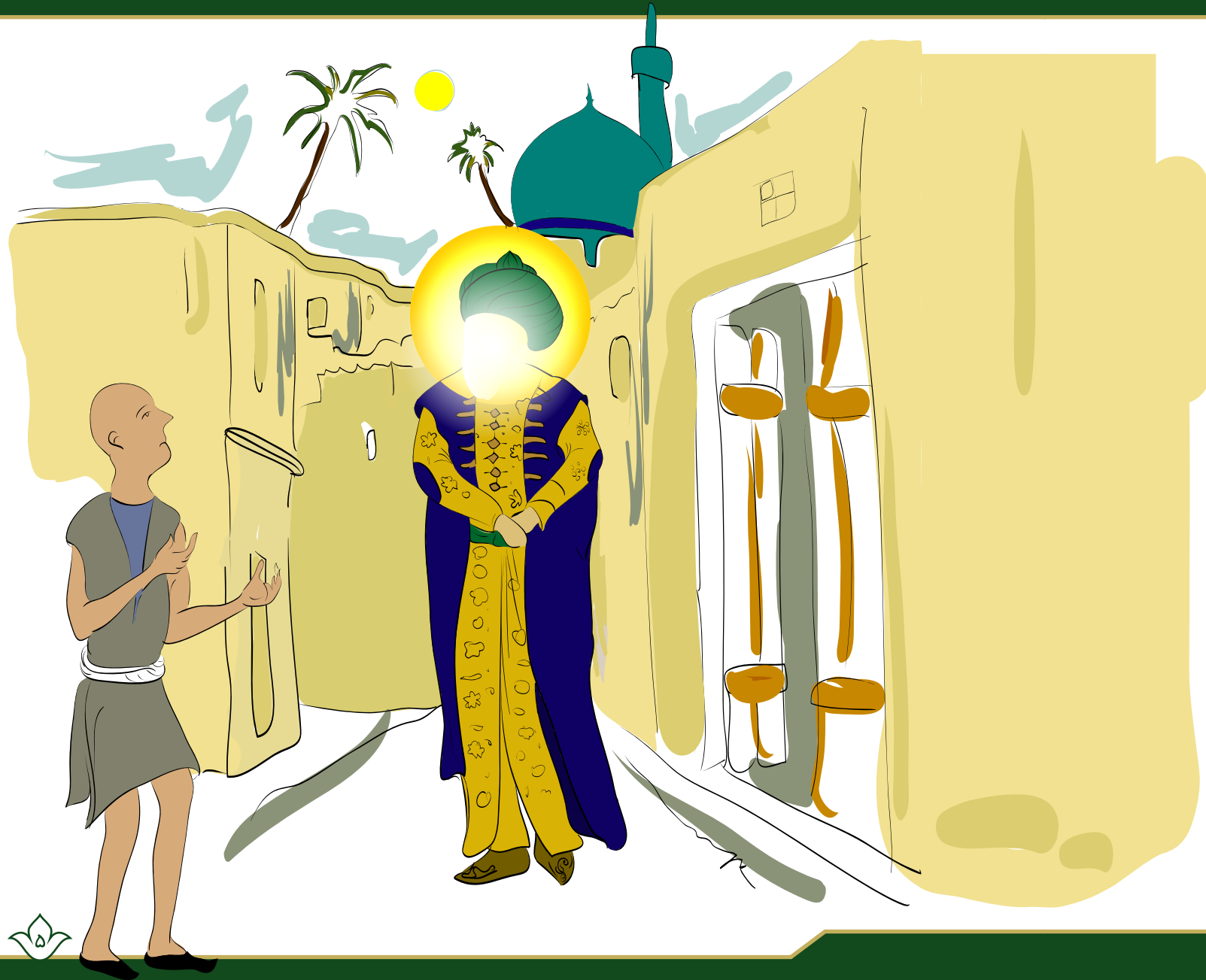
شخصی از حضرت خواست تا معنای حلم را بگویند، ایشان در جواب اینگونه پاسخ دادند: «حلم فروردن خشم و تسلط بر نفس است».

روزی امام حسن (ع) بر مرکب می رفت که با مردی از اهل شام مواجه شد. مرد تا حضرت را شناخت شروع به لعن و نفرین کرد. امام با بردباری سخنان زشت و دشنام های ناروای او را تحمل کرد تا اینکه مرد شامی آرام گرفت، سپس با لبخند و به آرامی فرمود:

«ای مرد! به گمانم غریب این شهری!
اگر راه را گم کرده ای، راهنمایی ات می کنیم. اگر گرسنه ای،
اطعامت می نمایم. اگر لباس نداری، تو را می پوشانیم. اگر
نیازمندی، تو را غنی می سازیم. اگر از جایی رانده شدی،
پناهت می دهیم».

وقتی مرد با این برخورد کریمانه حضرت مواجه شد و سخنان دلنشین آن بزرگوار را شنید، پیش از آنکه سخن بگوید اشک از گونه هایش لغزید سپس پشیمان و شرمسار همراه امام حسن (ع) راهی خانه آن حضرت شد و تا روزی که در مدینه بود در مهمانسرای حضرت پذیرایی می شد.





دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است

روزی امام حسن (ع) با لباسی فاخر و سیمایی آراسته از منزل بیرون آمد. در بین راه کافری فقیر با لباس‌های کهنه و اندامی ضعیف و لاغر به او برخورد کرد. از امام خواست توقف کند آنگاه در برابر او ایستاد و گفت: جد تو رسول خدا (ص) می فرمود: «الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر؛ دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است».

و تو مؤمن هستی و من کافر و ولی دنیا را نمی بینم مگر اینکه بهشت توست و از آن برخوردار می و زندان من است که سختی و فقرش مرا هلاک کرده است.

امام سخن او را شنید و فرمود: «ای پیرمرد! اگر به آنچه خداوند تعالی برای من و مؤمنان در بهشت آماده کرده است بنگری که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ گوشی آن را نشنیده است، خواهی فهمید که من قبل از ورودم به آنجا در این دنیا در زندانی تنگ بسر می برم، و اگر به آنچه خداوند از آتش و بدبختی و عذاب آخرت برای تو و هر کافر دیگر آماده کرده است بنگری، خواهی فهمید که تو قبل از رفتن به عالم آخرت در این دنیا در بهشتی وسیع بسر میبری».

اصلاح اعمال با حفظ حرمتها

روزی امام حسن و امام حسین علیهما السلام که در سنین کودکی بودند از محلی می‌گذشتند به پیرمردی برخوردند که مشغول وضو گرفتن بود اما صحیح وضو نمی‌گرفت. به پیرمرد گفتند: «ما دو برادریم و سعی داریم بدانیم که وضو گرفتن کدامیک از ما بهتر است؛ بنابراین می‌خواهیم در حضور تو وضو بگیریم تا در میان ما داوری کنی».

پیرمرد در حالی که خود را فردی برتر و آگاه‌تر فرض می‌کرد با دقت به کودکان نگرست تا آنکه هر دو وضوی صحیح را گرفتند. پیرمرد فهمید که وضو صحیح را چگونه باید گرفت و آنگاه گفت: «وضوی هر دوی شما صحیح است و این من پیرمرد نادانم که تاکنون وضوی صحیح را بلد نبودم، شما به حکم محبتی که بر امت جد خود دارید مرا متوجه ساختید». بنابراین همانگونه که گفته شده بهترین راه اصلاح نقص‌ها از نظر امامان، آن است که انسان ضمن حفظ احترام و شخصیت دیگری، او را متوجه اشتباهاتش بکند.

بر آوردن حاجت برادر مسلمان

روزی شخصی نزد امام حسن رفت و گفت: «ای فرزند پیامبر، شخصی از من طلبی دارد، ولی من پولی ندارم تا به او بدهم. برای همین او می‌خواهد مرا زندانی کند».

امام فرمود: «در حال حاضر مالی ندارم که به تو بدهم».

گفت: «پس کاری کنید که او مرا زندانی نکند».

امام در حالی که در مسجد مشغول اعتکاف بود، کفش‌های خود را به پا کرد.

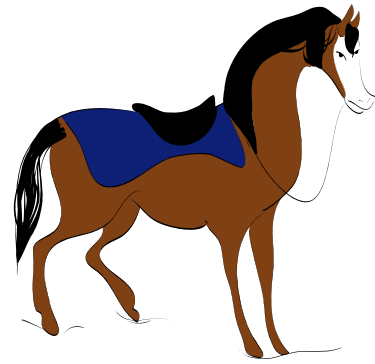
گفتند: «فرزند رسول خدا، مگر فراموش کردید که در حال اعتکاف هستید و نباید از مسجد خارج شد».

فرمود: «فراموش نکرده‌ام، اما از پدرم شنیده‌ام که رسول الله می‌فرمود: کسی که در برآوردن حاجت برادر مسلمان خود بکوشد مانند کسی است که نه هزار سال، روز و شب به عبادت مشغول بوده است».

احترام به بزرگان و افراد سالخورده

امام حسن (ع) همواره دیگران را بر خود مقدم می‌داشت و پیوسته با احترام و فروتنی با مردم برخورد می‌کرد. روزی ایشان در مکانی نشسته بود. برخاست که برود، ناگهان در این لحظه، پیرمرد فقیری وارد شد. امام به او خوش آمد گفت و برای ادای احترام و فروتنی به او فرمود: «ای مرد! وقتی وارد شدی که ما می‌خواستیم برویم آیا به ما اجازه رفتن می‌دهی؟ مرد فقیر عرض کرد: «بله، ای پسر رسول خدا».





فروتنی

امام حسن (ع) می فرماید: «کسی که دوستان و برادرانش را سبک شمارد و نسبت به آنها بی اعتنا باشد از مروت و جوانمردی تهی گشته است».

روزی امام حسن (ع) سواره از محلی می گذشتند که متوجه شدند گروهی از بینوایان روی زمین نشسته اند و مقداری نان را پیش خود گذاشته اند و می خورند. وقتی امام حسن (ع) را دیدند، به ایشان تعارف کردند و حضرت را سر سفره خویش فرا خواندند. امام از مرکب خویش پیاده شدند و این آیه را تلاوت کردند: «انَّه لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ؛ خداوند خود بزرگ بینان را دوست نمی دارد» (نحل: ۲۳) سپس سر سفره آنان نشست و مشغول خوردن شد. وقتی همگی سیر شدند، امام آنها را به خانه خود فرا خواند و از آنان پذیرایی فرمود و به آنان پوشاک هدیه داد: «و جعل یاکل حتی اکتفوا دعاهم الی ضیافته و اطعمهم و کساهم».





روزی امام حسن (ع) غلام جوانی را دید که غذا می خورد در حالی که سگی رو به روی او نشسته بود. هر لقمه ای که می خورده لقمه ای هم به سگ می داد.
امام پرسید: «چرا اینگونه رفتار می کنی».
غلام جواب داد: «من خجالت می کشم که خودم غذا بخورم و این سگ گرسنه بماند».
حضرت خواست به او پاداشی نیکو بدهد؛ برای همین او را به دلیل این عمل نیک از مولایش خرید و آزاد کرد و باغی که در آن کار می کرد را خرید و به او بخشید.

مهربانی با بندگان خدا و کرامت بی انتها از ویژگی های بارز امام حسن (ع) بود.

